

بیش معنوی - ۶۱

نگارش

علی تاجدینی

نقد فرهنگ و
سیاست در اندیشه مولانا

نگارخانه

نشر نگاه معاصر

فهرست

- © مقدمه..... ۵
- © درباره‌ی مولانا و مثنوی شریف..... ۷
- نقد اهل فرهنگ در اندیشه شمس تبریزی..... ۸۱
- مولانا و مبانی زیبایی‌شناسی..... ۱۱۷
- اندیشه سیاسی مولانا..... ۱۴۵
- بخش اول: مقام سیاست در نزد عارفان..... ۱۴۷
- بخش دوم: حکومت عادل و حکومت ظالم..... ۱۷۳
- بخش سوم: انتظار از حکومت..... ۱۸۷
- بخش چهارم: نمادشناسی قدرت سیاسی و معنوی..... ۱۸۹
- © نتیجه‌گیری..... ۲۷۷

مقدمه

نقد فرهنگ و سیاست در مکتب مولانا حاصل چهار مقاله مفصل در حوزه فرهنگ و زبان و سیاست است.

مقاله اول، زبان در اندیشه مولاناست. نیاز به توضیح ندارد که هر علمی و فنی زبان متناسب و مخصوص به خود دارد و عرفان دارای زبانی است که از آن به «زبان رمزی و تمثیلی» تعبیر می‌کنند.

در این فصل به تفصیل ماهیت زبان وحی و مکاشفات عرفانی از نگاه مولانا تحلیل شده است.

مقاله دوم با عنوان «نقد فرهنگ» تحقیقی در «مقالات شمس» است. شمس تبریزی در میان عارفان گذشته، به عنصر نقد و نقادی تأکید فراوان داشته و علاوه بر نقد نظری آراء فلاسفه و عرفا، عملاً نیز با بزرگان وارد بحث و نقادی می‌شده است.

ابن عربی عارف و نامدار تاریخ اسلام از نقادی‌های شمس به «تازیانه» تعبیر کرده است. از آنجا که شمس و مولانا هر دو به یک مکتب عرفانی وابسته‌اند، این مقاله را در این مجموعه آوردیم.

مقاله سوم، مبانی زیبایی‌شناسی و هنر در اندیشه مولاناست و طرز تفکر عرفانی به حوزه زیبایی‌شناسی و هنر را مطرح می‌کند.

مقاله چهارم، به اندیشه سیاسی مولانا اختصاص دارد. متأسفانه حجم مقالات و کتبی که فلسفه سیاسی عرفا را مورد بحث قرار داده باشد، به غایت اندک است. در

این اثر تلاش کرده‌ام با ابتناء بر آثار مولانا نگاهی به حوزه سیاست داشته باشم. اندیشه سیاسی عارفان از زمره کارهای بسیار مفیدی است که جای خالی آن در میان آثار سیاسی کاملاً مشهود است. امیدوارم، تلاش حاضر مقبول درگاه حق تعالی واقع شود.

علی تاجدینی

۱۳۹۰/۵/۱۱

درباره‌ی مولانا و مثنوی شریف

تاریخ زندگی مولانا تا حد زیادی روشن است. وی در عهد خویش نیز پس از وفاتش در قونیه و خارج از آن بسیار شهرت داشت، و پیروان بسیاری از شدت علاقه به مولانا زندگی او را به تفصیل شرح داده‌اند. تنها در دوره خود مولانا چندین اثر در باب تاریخ حیات وی و افکارش نوشته شده که امروزه در دسترس ما قرار دارد. پس از درگذشت مولانا نیز کتاب‌ها و مقالات بی‌شماری درباره آرا و احوال وی نگاشته شده است.

روزگار مولانا از نظر تنوع شخصیت‌های نامدار عرفانی بی‌نظیر است، وی در قرن می‌زیست که ابن عربی، صدرالدین قونوی، سلطان‌العلماء، شمس تبریزی، عطار، سعدی، فخرالدین عراقی، فخر رازی و بسیاری از بزرگان شعر و ادب عرفانی در آن به سر می‌بردند. مولوی در مثنوی و غزلیات شمس از افرادی نام می‌برد که معلوم است سخت به آنان ارادت می‌ورزیده، از آن جمله است عطار و سنایی و بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی. وی در مثنوی گفته‌های سنایی را که از عمق زیادی برخوردار است شرح کرده است. افلاکی در مناقب العارفین از قول مولانا نقل می‌کند: «هرکه سخنان سنایی را بخواند و دریابد بر اسرار سخنان ما واقف است». مولانا می‌گوید:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار می‌رویم
هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم